

سرشناسه : افشار، ایرج، ۱۳۰۴-۱۳۸۹، گردآورنده. Afshar, Iraj
عنوان و نام پدیدآور : نامه های تهران : (شامل ۱۵۴ نامه از رجال دوران به سید حسن تقی زاده) / به کوشش ایرج افشار
مشخصات نشر : تهران : نشر فرزنان روز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۵۲۲ ص.
شابک : ۳-۴۹۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : چاپ قبلی : نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۸۵ (با فروست).
موضوع : نامه های فارسی — قرن ۱۴ — مجموعه ها.
موضوع : Persian Letters -- 20th century -- Collections :
رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ن ۲ الف ۶۵ / PIR۰۷
رده بندی دیویی : ۸۸۶/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۷۲۶۴۶



فرزان

نامه های تهران

(شامل ۱۵۴ نامه از رجال دوران، به سید حسن تقی زاده)

به کوشش ایرج افشار

مجموعه تاریخی معاصر

چاپ اول : ۱۳۷۹

چاپ سوم : ۱۴۰۰ : تیراژ : ۷۰۰ نسخه : قیمت : ۲۰۰۰ تومان

ناظر چاپ : مجتبی مقدم ؛ طراح جلد : علی بخشی

حروف نگاری : شبستری ؛ لیتوگرافی : لاله ؛ چاپ و صحافی : تاجیک

« این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است »

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

کثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.



میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس : ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی : ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail : info@farzanpublishers.com

Instagram: farzanpublishers / www.farzanpublishers.com

ISBN: 978-964-321-491-3

شابک : ۳-۴۹۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

در باره مجموعه تاریخ معاصر

گزارش گردآورنده

بخش اول: سالهای ۱۲۸۸-۱۳۰۴ (۱-۳۶)

بخش دوم: سالهای ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (۳۷-۹۹)

بخش سوم: سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۵ (۱۰۰-۱۵۶)

فهرست الفبایی اشخاص و مندرجات نامه‌ها

۴۷۵

گزارش گردآورنده

نامه‌های تهران، مجموعه‌ای است از یکصد و پنجاه و چهار نامه از چهل تن از رجال سیاسی و نامور در گذشته ایران که در مدت چهل سال میان سالهای ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۶ (در دوره پادشاهی احمدشاه، رضاشاه، محمدرضا شاه) از جریانهای سیاسی و اجتماعی کشور به دست حسن تقی‌زاده نوشته‌اند. هریک از این نامه‌ها متضمن اطلاعی از وقایع مملکت یا عقیده و نظری معمولاً سیاسی از نویسنده آن است. تقی‌زاده در طول این مدت غالباً در کشورهای اروپایی می‌زیست، بجز سالهایی که سمت نمایندگی در مجلس پنجم و ششم داشت و ایامی که در مناصب وزارت و والیگری در تهران خدمت می‌کرد، بدین تفصیل:

۱۳۰۳ - ۱۳۰۷ (نمایندگی در مجلس پنجم و ششم)

۱۳۰۷ (والیگری خراسان)

۱۳۰۸ (وزیر مختار در لندن)

۱۳۰۹ (وزیر طرق و شوارع)

۱۳۰۹ - ۱۳۱۲ (وزیر مالیه)

۱۳۱۲ (وزیر مختار در پاریس).

پس از آن به ایران بازنگشت تا سال ۱۳۲۶.

نامه‌ها را به ملاحظه آنکه رعایت با هم بودن نسبت به دوره تحریر آنها

شده باشد و ارتباط قضایا و وقایع از هم گسسته نشود به سه بخش تقسیم کرده‌ام و نامه‌ها در هر دوره به نظم الفبایی نام نویسندگان مرتب شده است. در مواردی که لزوم داشته است توضیحی درخصوص نگارش نامه‌ای داده شود چند سطری آورده شد تا خواننده نیازمند به مراجعه به نوشته دیگر نباشد.

افرادی که از آنها نامه نقل شده است اغلب در متن سیاست و در مقامها و مشاغل مهم مملکتی بوده‌اند، مانند مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، قوام‌السلطنه، حکیم‌الملک، سردار سپه، حسین علاء، محمد ساعد، عبدالحسین هژیر و دیگران.

شاید مراجعه کنندگان در نگاه نخستین تعجب کنند چرا از ابراهیم پورداود (استاد‌الامور در رشته فرهنگ و زبان ایران باستان)، سید محمدعلی جمال‌زاده (نویسنده، داستان‌پرداز و محقق ادبی) یا احمد فرامرزی (مدیر روزنامه، محقق تاریخ و جغرافیای خلیج فارس) و عجب‌تر آنکه از سید حسین عدالت (مدیر روزنامه‌الحدید و دورا نامه‌السیاست در سالهایی که مورد نظر است) نامه‌هایی نقل شده است. آنها همه دوستان نزدیک و مأنوس با تقی‌زاده بوده‌اند. جز آن موقعی که نامه‌ها را به تقی‌زاده نوشته‌اند به غیر از عدالت) به کارهای سیاسی علاقه‌مندی داشته‌اند. متن نامه‌ها گویای فعالیت و تفکرات سیاسی آنها در دوره خاصی از زندگی هریک است و طبعاً برای اطلاع پژوهندگان تاریخ معاصر حاوی اطلاعات مفیدی است که از مراجع دیگر به دست آمدنی نیست. مانند اطلاعی که از نخستین نامه پورداود به تقی‌زاده عاید می‌شود و درمی‌یابیم پورداود و محمد قزوینی در سال ۱۹۱۲ در کنگره سیاسی منعقد در پاریس شرکت کرده بودند. این مطلب را جای دیگری ندیده‌ام که مسطور و مندرج باشد. یا نامه‌ای که از ابوالحسن حکیمی نوشته شده نزدیک به همان ایام به چاپ رسیده است و در آن نحوه تفکر جوانی که تازه تحصیلات علمی و دانشگاهی خود را به پایان رسانیده بود در قبال وضع نابه‌سامان

گزارش گردآورنده

اجتماعی و اداری کشور نمایان است. او بازگشت به وطن را در صورتی درست می‌داند که بتواند در آنجا ایجاد «کار» نافع تولیدی کند و مجبور به حقوق‌گیری از دولت نباشد. می‌نویسد «در زمین بی‌غم‌خوار و غم‌انگیز این قسمت عالم انسانیت که وطن پریشان ماست فقط و فقط کار منحصر به دوشیدن ماده گاو نحیف و ضعیف نیم مرده دولت است. راه نان، سرفرة منجلاب سیاسی طهران است و تا امروز هر جوانی که از مدارس (اگر مدرسه می‌توان نامید) طهران فارغ شده یا از «اروپا آمده» و علوم حقوق و سیاسی‌خوانده‌های ما مراجعت به ایران کرده‌اند یکی به غیر از ملحق شدن به مجمع (به اصطلاح سرکار عالی) سیاست‌چیها یا در ادارات دولتی داخل شدن کاری پیش گرفته‌اند ...» (ص ۳۱)

نامه‌های بخش اول مربوط به دوره احمدشاه (۱۲۸۸ - ۱۳۰۴) همه از تهران به برلن و مسکو فرستاده شده است. یعنی از آن سالها در برلن زندگی می‌کرد. حدود یک سال از طرف دولت مأمور عقد قرارداد تجارتنی با دولت سویت روسیه و مقیم مسکو شده بود. نامه‌های مهم این دوره درباره روابط سیاسی میان ایران و روسیه و نحوه عقد قرارداد با دولت جدید بلشویکی از رجال و مصادر امور همه واجد اهمیت است. ذکاءالملک فروغی وزیر خارجه وقت می‌نویسد: «اختلاف اقوال شارژدافر در طهران و حضرات در مسکو اسباب سرگردانی و حیرانی ما و حضرت عالی بوده و معنی آن را نفهمیدیم. عجب در این است که شارژدافر خود را در حزب و جماعت خیلی متنفذ می‌داند ولیکن کمتر حرفی از حرفهای او مؤثر و منتج نتیجه شده ...» (ص ۵۲). مرحوم فروغی از وکلای مجلس و رویه آنها هم شکایت نوشته است، ازین قبیل: «اما جریان امور را در اینجا اگر بخوام شرح دهم و بیان کنم که به آدم حساس در اینجا چه می‌گذرد، چطور زندگانی و کار می‌کنیم کتابها باید بنویسم و تصورکردنی و باورکردنی نیست. قریب چهار ماه است بنده در هیئت دولت

عضویت دارم. در این مدت هیچ کس حتی از وکلادر مملکتی با بنده یک کلمه حرف نزده ... بالاخره از عاقبت کار این مملکت چه نوحه بسرایم. یک نفر نیست از صالح و طالح که به فکر مملکت باشد. رودریاستی هم از میان رفته صریح می گویند ما طالب نفع خود هستیم و به کار مملکت کار نداریم.» (ص ۵۴)

نامه های قوام السلطنه و حکیم الملک از همان دوره هریک نکته ای دربر دارد که تاکنون در اسناد دیگر مشاهده نشده است.

بخشی از نامه های این دوره مرتبط است به فعالیت حزب دموکرات مانند نامه های سلیمان محسن اسکندری و سید محمدرضا مساوات و شیخ ابراهیم زنجانی. این هر سه که از اعضای مؤثر در آن حزب و از وکلای مجلس شورای ملی بوده اند تقی زاده را از جریان فعالیت حزب و اخبار مملکتی مطلع می ساخته اند. جزین متضمن جوابهاست به استفسارهای تقی زاده ازین که نمایندگی مجلس را بپذیرد و به ایران بیاید یا نه همان اروپا بماند. فروغی و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی در همین موضوع به تقی زاده جوابهای مفصل و تحلیلی داده اند. دولت آبادی می نویسد «آمدن و در این محیط افتادن بی آنکه موفقیت هایی حاصل گردد که جبران زحمات را بکند حسنی ندارد.» (ص ۳۸)

در همین بخش نامه ای از تیمورتاش هست از روزگاری که والی کرمان بوده است و همان اوقات سردار سپه به ریاست وزرایی می رسد و کابینه سوسیالیستها تشکیل می شود. تیمورتاش از آمدن سوسیالیستها بر سر کار ناخشنود بوده. پس در پی آن برمی آید که برای مقابله با تحریکات کمونیستی روسیه در ایران و پیش گیری هرج و مرج داخلی، باید حزبی مقتدر ایجاد شود. او به تقی زاده پیشنهاد می کند که به ایران بیاید و زعامت چنین حزبی را بر عهده بگیرد. در نامه اش می خوانیم: «ایران امروزه با شدت فقر و عقب ماندگی که دارد هر قدر که محتاج تغییرات سیاسی و اجتماعی باشد در هر حال هنوز

گزارش گردآورنده

برای سوسیالیزم حاضر نیست ... به عقیده من ایران هنوز باید رژیم سرمایه‌داری را تازه پذیرفته وارد اصول قرون وسطی خود را عاری نماید. باید ایران تمدن جدید را در تمام شعب حیاتی خود پذیرفته پس از آنکه با جنبه‌های خوب سرمایه‌داری و صنعت تازه جنبه‌های بد آن را از قبیل تعدی به حقوق کارگران و زارعین و خفه‌شدن کار در چنگال سرمایه پیدا شد آن وقت می‌توان فکری برای آسایش این طبقه کرد.» (ص ۱۷)

از سردار سپه وزیر جنگ دو نامه هست. از آن هر دو، آثار قدرت‌نمایی در قبال کسی که روزگاری انقلابی و در زمان خطاب نامه وکیل مجلس و در مظان مناصب دیگر می‌بود، دیده می‌شود و حکایت از آن دارد که به تدریج و چگونه پا بر پله‌های کتب قدرت می‌گذاشته است. در یکی از نامه‌ها می‌گوید: «محتاج نبود که از این باب بعد از فکری داده شود.» (ص ۸۷). در دیگری گفته است «سوی راپرتهای واصله طرز عملیات مشارالیه با مفاد توصیه شما بکلی متفاوت و متغایرست ... اشخاصی که با دست‌های می‌خواهند به وطن خود خدمت کنند یقین دارم جناب عالی نیز هیچ‌وقت آنها را به نظر مهر تلقی نخواهید نمود.» (ص ۸۸)

* * *

در بخش دوم (سالهای ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) که مربوط به دوران پادشاهی رضاشاه پهلوی است نامه‌ها دو جنبه دارد. قسمتی مربوط به ایامی است که تقی‌زاده در انطباق مناصب دولتی بوده و قسمتی دیگر مربوط به اوقاتی است که تقی‌زاده مغضوب شده و در خارج می‌زیسته است و منحصرأ افرادی که دلبسته دوستی دیرین او بوده‌اند با او مکاتبه داشته‌اند (مانند حسینقلی خان نواب و سید حسین عدالت). قطعاً دستگاههای نفتی مملکت همه از این نامه‌نویسی‌ها مطلع می‌شده‌اند. لذا اگر به همین ملاحظه است که نواب در چند نامه خود به مدح و ثنای شاه

پرداخته. اما ضمناً با اشاره و کنایه مخصوصاً نقل اشعار قدما تقی‌زاده را متوجه می‌کرده است که خیال بازگشت به ایران نداشته باشد. سید جلال‌الدین طهرانی هم که در این اوقات در بلژیک زندگی می‌کرد ماندن در اروپا را به تقی‌زاده توصیه می‌کرده است.

در همین قضیه، مهمترین نامه از فروغی رئیس الوزراء است (مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۱۴) که پس از مذاکره با رضاشاه این‌طور به تقی‌زاده نوشته است: «ماحصل آن را خدمت حضرت عالی عرض کنم که اگر مبنی بر بی‌مرحمتی نبود البته حاکی از دل‌تنگی‌هایی بود از آنچه در سوابق ایام گذشته و به غفلت حضرت عالی در جواب لاطایلات روزنامه‌ها در مأموریت اخیر پاریس منتهی می‌شد و بالاخره حاصل این‌که من به ایشان دل خوش و علاقه ندارم، اما بغض و عداوتی هم در میان نیست... با این تفصیل البته استنباط می‌فرمائید که احساسات از چه قرار است و بنده متحیرم که چه رویه باید اختیار کرد و شاید که اصلح سکوت و خودداری باشد زیرا که باور می‌کنم که رفع این سوءتأثیر به این زودی ممکن باشد و جبران آن به آسانی میسر شود» (ص ۱۹۲).
اشاره فروغی به سوابق ایام گذشته ناظرست به آنچه ملکه الملک رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی در چند نامه به تقی‌زاده زمانی که وزیر مالیه بود، نوشته است. از آن جمله است:

«بطوری که مسبوق هستید وقتی که بنای لایحه دادن به مجلس باشد باید قبلاً خاطر ملوکانه از مورد آن مطلع گردیده و با اجازه اقدام شود. معلوم نیست درین مورد چرا تحصیل اجازه نشده است... لایحه در مورد شبستر چون بدون اجازه به مجلس داده شده می‌بایستی مسترد گردد. محض احترام جناب‌عالی این دفعه صرف‌نظر می‌شود ولی در صورت تکرار امر به استرداد لوایح صادر خواهد شد.» (ص ۱۳۶).

«مطالب به این ترتیب نباید به عرض خاکپای مبارک برسند و جای

گزارش گردآورنده

تعجب است که چرا جناب عالی با مقررات و ترتیبات آشنا نمی‌شوید ... دیگر تعقیب و تقاضا بدون اینکه سوالی بشود خارج از ترتیب و دیسپلین و ... برخلاف انتظار است ...» (ص ۱۳۷).

از نامه‌های مهم این سالها نوشته‌ای از تیمورتاش است زمانی که تقی‌زاده والی خراسان بود و تیمورتاش به او پیشنهاد می‌کند که به مأموریت به لندن برود، برای آنکه در آن وقت حزب کارگر انگلیس انتخابات را برده بود و شاه و تیمورتاش ضروری می‌دیده‌اند که با حزب مذکور طرح مرافقت و ارتباط بریزند. می‌نویسد: «مناسب می‌دانم که هم مخاطره‌ی تجربگی آنها را رفع کرده و هم از احساسات ضد سیاست محافظه کار آنها استفاده کنیم. برای این مقصود لازم است که در لندن یک نفر مأمور فکور لایق داشته باشیم ...» (ص ۱۳۳)

نامه‌های بخش سوم مربوط به سالهایی است که پس از شهریور ۱۳۲۰ تقی‌زاده سفیر ایران در لندن شد و دوستانش نامه‌هایی به او دربار نظام و احوال ایران می‌نوشتند. دوران سفارت او به سال ۱۳۲۵ ختم می‌شود و پس از آن تقی‌زاده به تهران باز می‌گردد و در مجلس دوره پانزدهم سمت نمایندگی می‌یابد. جز آن نامه‌ها، چند نامه هم از حسین علاء و مصطفی فاتح و علی‌اصغر فروزان مربوط به سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ درج شده است.

در نامه‌های مربوط به پس از شهریور ۱۳۲۰ عمده مطالب مربوط است به مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایران بر اثر اشغال نظامی پیدا کرد و دولت دوره ضعف سیاسی را می‌گذرانید. انگلستان و شوروی و امریکا هریک به نحوی در امور کشوری دخالت ناموجه داشت و دسته‌های طرفدار هریک از آن دولتها از راه احزاب و روزنامه‌ها آشوب ایجاد می‌کردند. نامه محمد ساعد (وزیر خارجه) و حسین علاء (وزیر دربار) مصرحاً

گویای فشارها و دخالت‌های سر ریدر بولارد سفیر انگلیس است. هر دو طالب آن بوده‌اند که تقی‌زاده با دولت انگلیس مذاکره کند تا بولارد را دولت انگلیس از سمت وزیر مختاری ایران عوض کند.

ساعد در نامهٔ تیر ۱۳۲۲ نوشته است: «بنابر این اگر انگلستان تغییری در نمایندۀ سیاسی خود در تهران بدهد شاید وضعیت ما بهتر از این گردد ...» (ص ۲۵۶).

علاء در مرداد ۱۳۲۲ نوشته است: «وزیر مختار (پیرمرد خستهٔ عصبانی) تحت نفوذ اوست [یعنی ترات] کوتاه‌نظر، بدبین. همه ماها را ناقابل و دزد و محکرمی‌دانند ... لازم است سعی بفرومائید وزیر مختاری را تبدیل به سفیر کبیری نموده شخص بوجستهٔ نظر بلندی که در هند و شرق مأموریت نداشته بفرستند ...» (ص ۲۶۴).

تقی‌زاده هم در نامهٔ مرداد ۱۳۲۲ نوشته است: «به نظر مخلص اقلأ هفتاد درصد از فسادها و بلاها که در این چند سال به سر ایران آمد شخص بولارد و مسئول آن است که با سیاست جاهلانه و احمقانه خود همه کارها را خراب کرد و عاقبت سیاست پوسیدۀ او و هم عمال و ایادی او از میان رفتند.» (زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۱۰).

علاء موقعی که سفیر ایران در امریکا بود تقی‌زاده را متوجه مضرات دخالت‌های خواهر شاه و ملکهٔ مادر کرده و تصور می‌کرده است که شاید تقی‌زاده بتواند شاه را به دور نگاه داشتن آنها از امور مملکتی وا دارد.

در نامه‌های باقر کاظمی و عبدالحسین هژیر و احمد فرامرزی اطلاعاتی راجع به رجال و احزاب هست. هریک به تفصیل به سلیقهٔ خود تقی‌زاده را از جریانها و فعالیتهای آن مطلع می‌کرده است.

مباحث مربوط به مسئلهٔ انتخابات و عدم آزادی آن (مانند نامهٔ حکیم‌الملک)، مسائل نفت (نامه‌های مصطفی فاتح)، واقعهٔ آذربایجان و

گزارش گردآورنده

شکایت ایران در شورای امنیت (نامه‌های علاء و تقی‌زاده) از مندرجات قابل توجه در نامه‌های این دوره است.

* * *

موقعی که نامهٔ مرحوم مهذب‌الدوله کاظمی مورخ فروردین سال ۱۳۲۱ را در شمارهٔ دوم سال نهم (۱۳۶۲) مجلهٔ آینده چاپ کرده بودم دو نوع قضاوت راجع به چاپ آن اظهار شد.

جمعی برآشفتنند که نباید مطالبی را که صدق و کذبش روشن نیست چاپ کرد. می‌گفتند نامه‌های اشخاص که حاوی عقاید خصوصی و شخصی است از ارزش واقعی تاریخی به دور است.

بیشتر کسانی که این نوع تمسوس می‌کردند آنها بودند که خود را آشنا به اوضاع آن روزگار می‌دانستند پس سلیقه و عقیدهٔ کاظمی را در باب اشخاص، از باب حب و بغض طبیعی که خاص ابناء روزگار است نمی‌پسندید. آن که با کسی پیوند خویشی یا دوستی داشت ناراحت شده بود از آن که چرا کاظمی به دل بسته و دل‌بند او تاخته است. به همین ملاحظه می‌گفتند در نوشتهٔ کاظمی مطالبی هست که درست نیست و نسبت به اشخاص تندبهای شخصی روا داشته است و ایراداتی را که او به دیگران گرفته است آنان دربارهٔ خود او زمزمه می‌کنند.

گروه دیگر کسانی بودند که به نوشته‌های گذشته و مدارک پیشینیان به دید تاریخی می‌نگرند و نکته‌های به‌دردبخوری را در آنها جستجو می‌کنند تا مگر مقداری از حقایق اوضاع پیش از میان آن‌گونه کلمات به دست آید. این افراد طبعاً ناراحت نمی‌شوند از اینکه نویسندهٔ سند در مدح و قدح اشخاص حتی آشنایانش چه نوشته است.

چاپ این‌گونه نامه‌های خواندنی در میان سیاست‌بازان و بازماندگان رجالی که نامشان به میان می‌آید «ولوله» می‌اندازد. جمعی چاپ‌کنندهٔ «سند»

را شمات می‌کنند. حتی اگر گناهی یا قصوری متوجه نویسنده هست همه را به گردن چاپ کننده می‌اندازند که چرا چنین نامه‌هایی را چاپ کرده است. اما غافلند از اینکه این نوع نوشته‌ها باید برای تاریخ و مورخ مفید باشد نه برای خانواده و بازمانده سندپرداز. آنکه کارش نشر اسناد تاریخی است تشنه آن است که چنین مدارکی را به دست آورد و در دسترس مشتاقان و محققان قرار دهد، حتی اگر دوستان و بازماندگان سندپرداز برنجند.

هنگام قضاوت درباره نوشته «مرد سیاسی» باید آن را در زمینه زمان او قرار داد. یعنی با توجه به اوضاع و احوال زمانی که سند ایجاد شده نسبت به آن قضاوت کرد. همین مرحوم کاظمی که در آن نامه (۱۳۲۱ شمسی) درباره علی سهیلی آن چنان قضاوت‌های سخت و تند کرده است در سال ۱۳۱۲ شمسی ضمن نامه‌ای که به فروغی در امور خارجه نوشته بود علی سهیلی را برای احراز مقام معاونت وزارت خارجه مناسب دانسته و او را به محمدعلی فروغی توصیه کرده بوده است (نامه کاظمی به فروغی که در مجله یغما سال پنجم صفحه ۲۲۵ چاپ شده است).

باید متذکر شد چاپ این گونه از نوشته‌های پیشینیان که همیشه نکته‌های «جای حرف» دارد و غالباً از خودستایی و ادعای خودکردگی پیراسته نیست و معمولاً در آنها اعمال و رفتار دیگران نکوهیده گفته شده است به هیچ وجه برای تمجید و تحسین کردار و رفتار و گفتار آنان و یا برای خوشایند و پسند خویشان و پیروان و منتقدانشان نیست. منحصراً برای سنجش و صیرفی و نقادی محققان و مورخان است.

طبعاً همواره باید در عقاید و نکات مندرج در این نوشته‌ها به چشم سنجش و نگرش دقیق و ریزه‌بینانه نگریست و درست را از نادرست و راست را از ناراست بازشناسی کرد.

چاپ این نوع نوشته‌ها و سندها برای کمک‌رسانی به کسانی است که

گزارش گردآورنده

می‌خواهند بر تاریکیهای گذشته پرتوی روشنگرانه بیندازند و راهی سرراست به گوشه‌های ناشناخته و نایافته بکشایند.

سخن کوتاه آنکه ناشر اسناد نه مدافع نظرهای شخصی و اعمال فردی و سیاسی و اجتماعی رجال گذشته است نه پرخاشجو نسبت به روش آن رجال.

* * *

در نحوه نگارش نامه‌ها و نوشته‌ها و خاطره‌ها، اعم از اینکه خویشان را بیجا و بیهوده ستوده و یا بر دیگری طعن و ناسزایی داشته باشند. می‌دانیم که خاطرات نویسان ما که در امور مملکتی سمتی و دستی داشته‌اند معمولاً خویشان را بی‌عیب و مؤثر تام و واقعی در پیش بردن امور خوب دانسته و چنان وانمود می‌کنند که همیشه از هر چه بد و ناپسندست روی گردان بوده‌اند.

جامع این مجموعه چاپ کننده سند است نه «پرداخت‌کننده» آن. در انتشار اسناد قدیم از اصولی پیروی می‌کند که در عصر کنونی پس از سی سال حتی در مورد اسناد دولتی هم جایز دانسته شده است.

نکته دیگر اینکه چاپ سند بسته به پیدا کردن آن است و امکانهایی که در ایران برای چاپ ضرورت دارد. بنده به این اسناد دست‌رسی پیدا کرده‌ام که چاپ می‌کنم نه اسناد اشخاص دیگر. ناچار مصرحاً بار دیگر بگویم که مقصود از انتشار اسناد گذشته به هیچ وجه رعایت حال اشخاص نیست. انتشار اسناد دلیل آن نیست که ما آن سند را درست می‌دانیم یا با نوشته‌های مذکور در آن موافقیم. قصد همیشه بر آن است که این‌گونه نوشته‌ها در اختیار محققان واقع‌بین و پژوهشگران بی‌تعصب باشد و آنها به آسانی بتوانند از خلال اسناد نکته‌های مفید به حال تاریخ واقعی ما را درآورند.

* * *

نکته پایانی اینکه شیوه نقل مطالب جدا جدا نگاشتن کلمات است. ولی در آوردن کلمات خارجی همه جا رعایت تحریر نویسندگان لازم دانسته شد. بنابراین نباید ضبط‌هایی مانند «اوکثیر»، «سوسی‌الیست»، «پاسطور» و جز اینها را غلط چاپی دانست.

حواشی زیر صفحات همه از گردآورنده نامه‌هاست.

ابرج افشار

وین، دهم مهر ۱۳۷۷

www.ketab.ir